

# Methods of reading stories in the social stories of the Qur'an

(Received: 2024-05-20 Acceptance: 2024-06-13)

Mohammad Reza Feridouni<sup>1</sup>, Seyyed Meysam Mousaviyan<sup>2</sup>

## Abstract

The structure and narrative, rhetorical and literary methods of the Qur'an are so wide that it can be evaluated from different perspectives. The present article aims to reveal an aspect of the comprehensiveness of the text of the Holy Quran from the perspective of narration and modern storytelling techniques. In recent decades, theorists such as Tim Murphy, Jack Canfield, and Deacon have paid special attention to storytelling techniques. The comprehensiveness of the Qur'an strengthens the hypothesis that the divine word cannot be devoid of the art of drawing a story and its execution, and analyzing the text of the Qur'an with modern narrative theories can reveal neglected areas of this great book that have not been addressed in Qur'anic studies so far. This research, relying on the descriptive-analytical method and meditation on the noble verses and with the aim of discovering and classifying new storytelling techniques, shows that the Holy Qur'an is a method of eloquence, summary, emotional involvement of the audience, feedback and other ways to attract prepared hearts and minds to accept divine guidance until meeting God.

**Keywords:** feedback; restatement; Quran; reading stories; retelling

مطالعات قرآنی  
و زبان‌شناسی

دوره دوم

شماره دوم

پیاپی: ۴

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

1. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran (corresponding author). dr\_fereydooni@basu.ac.ir
2. Graduated in Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran. ashke\_avval22@yahoo.com

## روش‌های قصه‌خوانی در داستان‌های اجتماعی قرآن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴)

محمد رضا فریدونی<sup>۱</sup>

سید میثم موسویان<sup>۲</sup>

### چکیده

ساختار و شگردهای روایی و بلاغی و ادبی قرآن چنان گسترده است که از دیدگاه‌های متفاوت می‌توان به ارزیابی آن پرداخت. مقاله حاضر بر آن است تا ساحتی از جامعیت متن قرآن کریم را از زاویه روایی و فنون نوین قصه‌خوانی آشکار کند. در دهه‌های اخیر نظریه‌پردازانی چون تیم مورفی و جک کانفیلد و دیکون، توجهی ویژه به شگردهای قصه‌خوانی داشته‌اند. جامعیت قرآن این فرضیه را تقویت می‌کند که کلام الهی نمی‌تواند خالی از هنر ترسیم قصه و اجرای آن باشد و تحلیل متن قرآن با نظریه‌های مدرن روایی می‌تواند ساحتی مغفول مانده از این کتاب عظیم را آشکار کند که تاکنون در پژوهش‌های قرآن‌شناسی بدان التفاتی نشده است.

این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و تعمق در آیات شریف و با هدف کشف و طبقه‌بندی فنون نوین قصه‌خوانی، نشان می‌دهد که قرآن کریم از شگردهای واگویه، تلخیص، درگیری احساسی مخاطب، بازخوردگیری و شیوه‌هایی دیگر برای جلب قلوب و تألف دل‌های مهیا برای پذیرش هدایت الهی تا رسیدن به لقای معبود، بهره برده است. **کلیدواژه‌ها:** بازخوردگیری؛ بیان مجدد؛ قرآن؛ قصه‌خوانی؛ واگویه.

۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

dr\_fereydooni@basu.ac.ir

۲. دانش آموخته رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ashke\_avval22@yahoo.com



## ۱. مقدمه

قرآن کریم کتابی نازل شده از جانب خداوند بی همتای دانا بر قلب خاتم پیامبران، محمد بن عبدالله (ص)، است. کتابی که مجلای تام تجلی حق با تمام اسماء و صفاتش است و هرکه خواستار قدم نهادن در راه رستگاری باشد، حق تعالی به «حبل متین» قرآن او را به نیکوترین وجه راهنمایی می‌کند. آنگاه که انسان کتاب خدا را فرا می‌گیرد و به درک و فهم آن می‌پردازد و می‌کوشد تا با استعانت الهی حقایق آن را در خود جاری کند خداپرست و ربّانی می‌شود.

یکی از حقایقی که با تأمل در ساختار و متن قرآن با آن مواجه می‌شویم، شیوه بیان داستان‌هایی است که از باورها و سنت‌های اجتماعی شخصیت‌هایی که شماری از آنان از انبیاء بوده‌اند، شکل گرفته است؛ از جمله نکات بدیع که در این گروه از قصه‌های قرآنی به چشم می‌آید، نحوه اجرای داستان است.

در باب جامعیت قرآن، بسیار سخن گفته شده؛ قرآن کتاب حکمت و علم، کتاب سیاست و حاکمیت، کتاب باطن و ملکوت و صفاتی دیگر که همگی بر عظمت و ناکرآمدی این متن دلالت می‌کنند. سخنی که در این میان ناگفته مانده و ساحتی دیگر از شگردهای بلاغی قرآن را نشان می‌دهد اسلوب نوآورانه آن در اجرای قصه است.

پاسخ یافتن برای این پرسش که نخستین بار چه کسی برای چه کسانی قصه گفت ناممکن است؛ اما می‌توان در خلاصه‌ترین صورت ممکن چنین گفت: «هراندیشه، خیال، مطلب یا حادثه‌ای که قابل بیان باشد، داستان است.» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۲۴) در درازای زمان و نزد اقوام گوناگون، قصه‌گویی نقشی مهم در انتقال باورها، سنت‌ها و آداب اجتماعی و به‌طور کلی فرهنگ، از نسلی به نسل دیگر، داشته است. (حجازی، ۱۳۸۴: ۲۰۰). زبان‌شناسانی چون پالکو و لنتوف<sup>۱</sup> معتقدند که «قصه‌گویی می‌تواند تأثیری عمیق بر ساختمان شخصیت فرد بگذارد؛ چراکه الگوهای رفتاری در قصه‌ها خود را به نمایش گذاشته و علاوه بر دانش‌افزایی، شخصیت‌شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.» (پالکو و لنتوف، ۲۰۰۰: ۲۲)

فنون داستان‌خوانی همچنین نیرویی بسیار در شیوه‌های آموزشی غیرمحسوس دارد؛ چنان‌که تحقیقات آماری اثبات کرده است که روش‌ها، عقاید و رفتارهای حاضران در محافل قصه و داستان‌خوانی پس از استماع قصه، تغییر یافته و گاه دگرگون شده است.



دوره دوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۴  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

1. Pavlenko & and Lantof.

در سده گذشته با پیدایش مدرنیته و آثار آن بر اجتماع، هنرها نیز دستخوش تحول شدند و عرصه‌هایی تازه تحت عنوان «هنر مدرن» به روی هنرهای مختلف گشوده شد. در این جریان سکون‌ناپذیر و متلاطم، داستان خوانی نیز رخت کهن کلاسیک را وانهاد و با پذیرش فنون نوین فرم و روایت به یاری اجرای داستان آمد. ترفندها، قواعد، روش‌ها و شیوه‌هایی تازه در اجرای قصه و داستان که از آن به «قصه‌گویی نوین» تعبیر می‌کنند.

## ۲. بیان مسئله

دکتر تیم مورفی، زبان‌شناس سوئیسی، معتقد است که داستان به مدد اجرا با شیوه‌های مدرن می‌تواند عمق شناختی مخاطب را بیشتر کرده و مخاطبان را نسبت به محدودیت‌های دید و بینش خود آگاه‌تر کند؛ و می‌تواند راه‌های متنوعی برای تفکر به آن‌ها نیز بدهد (مورفی، ۱۹۳۳: ۱۰). براساس این سخن و با عنایت به جامعیت قرآن و جایگاه قصه در مقام شیواترین و رساترین ابزار بیان و انتقال مفاهیم و انگاره‌های مورد نظر الهی به مخاطبان است. همچنین این نکته مورد توجه است که انسان به طور غیر محسوس و ناخودآگاه تحت تأثیر شخصیت‌های قصه قرار می‌گیرد (غلامرضا، ۱۳۸۹: ۳۱). شایسته است که این مسئله مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. عدم التفات به این مسئله می‌تواند باب بسیاری از معارف را بر روی انسان ببندد و چشم‌اندازهای متنوعی از عظمت این متن مقدس را از پیش چشم ما دور کند؛ و همچنین ما را در ابلاغ مؤثر پیام‌های قرآن ناکام بگذارد. در این مقاله می‌کوشیم قلمرو هنری مغفول مانده قرآن در ساحت فنون اجرایی قصه را روشن کنیم.

## ۳. پیشینه پژوهش

درباره موضوع تأمل در فنون اجرای قصه در قرآن، هیچ مقاله یا کتابی نوشته نشده است و تنها می‌توان از این پنج مقاله یاد کرد:

۱. «بررسی سبک قصه‌گویی در قرآن کریم»، حسین خیاطیان، فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵، شماره ۳.
۲. «خصائص سبکی قصص قرآن کریم»، محمدباقر حجتی و لیلا صفری، فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۲، شماره ۱۵.
۳. «ویژگی‌های سبکی قصه‌های قرآن»، محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشنامه متین، ۱۳۸۳، شماره ۲۲.
۴. «نکته‌هایی در سبک قصه‌گویی قرآن»، سیده مریم حسینی، زبان و ادبیات



فارسی، ۱۳۸۹، شماره ۱۶.

۵. «سبک قصه‌گویی در قرآن»، فاطمه مدرسی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن کریم، ۱۳۹۴، شماره ۳.

این مقالات به بررسی ویژگی‌های سبک قصه‌گویی و نگارش داستان در قرآن کریم از جنبه‌های مختلف، نظیر زبان، ساختار روایت، شخصیت‌پردازی، گره‌افکنی و گره‌گشایی، آهنگ کلام و عناصر بلاغی می‌پردازند. این آثار اگرچه مطالعاتی مفید در مطالعه سبک داستان‌نویسی در قرآن هستند؛ اما نقطه محوری مقاله حاضر فنون اجرای قصه در قرآن است؛ حال آنکه منابع فوق به سبک‌های قصه‌گویی پرداخته‌اند.

#### ۴. داستان اجتماعی

داستان یک پدیده صرفاً ادبی و منفرد نیست؛ چراکه داستان‌ها ریشه در بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع دارند و بازتاب‌دهنده زندگی انسان‌ها و تجربیات آنان از جامعه و جهان پیرامونشان هستند. همان‌طور که والتر بنیامین<sup>۱</sup>، متفکر برجسته قرن بیستم، در اثر کلاسیک خود با عنوان «راوی» بیان می‌کند، داستان‌ها «نوعی میراث قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر» هستند (والتر، ۱۹۳۶، ۶۳). بر همین اساس، داستان‌ها علاوه بر سرگرمی، معنا و پیام‌های اخلاقی و اجتماعی را نیز منتقل می‌کنند. فیودور داستایوفسکی، نویسنده روسی در قرن نوزدهم، معتقد بود که «یک رمان باید حقیقت اجتماعی را منعکس کند» (داستایوفسکی، ۱۸۶۴، ۵۶). او داستان را آینه‌ای برای جامعه می‌دانست که نویسندگان از طریق آن می‌توانند مسائل اجتماعی را بازتاب دهند. نظریه پردازان مفهوم روایت، مانند دیوید کار<sup>۲</sup> در کتاب معروف خود، «روایت و زندگی اجتماعی» T معتقد بود که داستان‌ها «منابع ارزشمندی برای درک زندگی اجتماعی» هستند (کار، ۱۹۸۸: ۲۵۵). آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه افراد واقعیت اجتماعی را از طریق روایت‌ها درک و تفسیر می‌کنند. در همین راستا، مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی نیز داستان را یک «کنش گفتاری» در نظر می‌گیرند که در بافت‌های اجتماعی خاص رخ می‌دهد و بر روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باتوجه به آنچه آورده شد، می‌توان نتیجه گرفت داستان‌ها از آن جهت که به توضیح، ارزیابی و بررسی مسائل گوناگون اجتماعی در جوامع مختلف بشری می‌پردازد، فی‌النبغه، اجتماعی هستند.



دوره دوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۴  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

1. walter benjamin.  
2. David Carr.

بنابراین، آیات و داستان‌های مورد بررسی ما در قرآن کریم، داستان‌هایی است که با این تعاریف منطبق است و نه مسائل سلوکی و ادراکات و کشفیات فردی یک نبی و مؤمن و نه کفر و سقوط کافر به صورت فردی.

### ۵. فنون قصه‌گویی نوین

قصه و قصه‌گویی یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت، تاریخچه‌ای به درازای عمر زبان و گویشی در انسان‌ها دارد. شرح جنگ‌ها، دلاورمردی‌ها، خیانت‌ها، نیرنگ‌ها، افسانه‌سرایی‌ها و پرده‌خوانی‌ها بیانگر آن است که زندگی انسان‌ها هیچ‌گاه خالی از قصه نبوده است (پورخالقی، ۱۳۷۱: ۱۷).

فنون و فعالیت‌هایی در خلق داستان و خوانش آن، در جایگاه سیستمی از تکنیک‌ها مورد بررسی‌های علمی واقع شده‌اند و معمولاً این تکنیک‌ها به صورت یک مجموعه برای درگیری بیشتر ذهن مخاطب و انتقال لذت بیشتر به کار گرفته می‌شوند (فریدونی، ۱۳۹۵: ۷).

کسانی که از قصه استفاده می‌کنند با روش‌های مختلفی خواهان عمق بخشی به اهداف و پیام‌هایی هستند که آفریننده داستان، جهت انتقال آنها، قصه را خلق کرده است. یکی از این روش‌های عمق بخشی، اجرای داستان است. از نظر مورفی<sup>۱</sup> فنون نوین قصه‌خوانی، فعالیت‌هایی است که در جایگاه سیستمی از فعالیت‌های اجرایی داستان‌خوانی مطرح می‌شوند و معمولاً به صورت مجموعه‌ای از کارها برای انتقال بهتر مفهوم داستان، با هم اثر می‌کنند و روی هم اثر می‌گذارند (مورفی، ۲۰۰۰: ۲۳). از جمله اهداف فنون اجرای داستان، رفتن به عمق قصه است. استیو<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۶، دربارهٔ ورود به لایه‌های معنایی در قصه‌گویی، صحبت می‌کند که در آن نوعی از آموزش وجود دارد که می‌تواند مخاطب را به حقایق مؤثر و عواطفی واقعی برساند. مخاطبان اغلب در مورد حرکت با یک قصه و تغییر دید و عقاید، بعد از شنیدن قصه، صحبت می‌کنند (استیو، ۱۹۹۶: ۱۸)؛ برای مثال، بعد از شنیدن یک قصه که در آن اشتباهی از یک قوم، یک گروه یا یک شخصیت داستان سر زده، آنها ممکن است به این باور برسند که اشتباهات محتمل هستند و پله‌ای هستند برای یادگیری و بازگشت به مسیر درست نه مصیبت و فاجعه.

اجرای داستان به مدد شیوه‌های نوین، می‌تواند عمق بخشی را بیشتر کرده و



مخاطبان را نسبت به محدودیت‌های دیدها و بینش‌های خود آگاه‌تر سازند و می‌تواند راه‌های متنوعی برای تفکر به آنها نشان بدهند. این تغییرات، به طور قابل توجهی، بعد از جلسه قصه‌گویی، با مشاهده اینکه مخاطبان فعال‌تر و شوق بیشتری دارند، کاملاً ملموس است. برای تجربه آموزش عمیق، ابتدا نیاز است که شنوندگان قصه را به خوبی بفهمند؛ سپس فرصتی برای به اشتراک گذاشتن و عکس‌العمل به این مفاهیم با یکدیگر پیدا کنند.

در قصه‌گویی نوین، فنونی از سوی پژوهشگران و محققان امر قصه و داستان مثل مورفی در سال ۲۰۰۰ در جهت اثرگذاری بیشتر قصه، ابداع، جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است که به این فنون پرداخته می‌شود:

۱. واگویی و تکرار هنگام شنیدن داستان؛

۲. خلاصه کردن قصه از جانب مخاطب؛

۳. تقسیم قصه به چند بخش مجزا در خوانش؛

۴. درگیری احساسی در قصه‌خوانی از سوی قصه‌گو؛

۵. بیان مجدد قصه از طرف شنونده برای دیگران؛

۶. ثبت عملکرد مخاطبان؛

۷. بازخوردگیری از داستان.

هدف قرآن کریم از ذکر قصه در آیات، قصه‌گویی و تاریخ‌نگاری نیست؛ چراکه قرآن کتاب دعوت و هدایت است و در این رسالت و هدفی که دارد، یک قدم راه را به طرف چیزهای دیگر، از قبیل تاریخ و یا علوم دیگر، کج نمی‌کند؛ زیرا هدف قرآن تعلیم تاریخ و رمان نویسی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۳۰۷/۱۱)؛ همچنین قرآن کتاب در علم تجربی نیست، اما در هر بخش نکات اعجاب‌برانگیزی دارد که از منظر هر رشته قابل تأمل است.

یکی از قسمت‌های قابل تأمل قرآن، قصه‌های قرآنی است. قصه‌هایی که در متن و شیوه اجرای شان، فنونی به کار رفته که حتی تا دهه‌های اخیر در داستان به اجرا در نمی‌آمده و به آن توجه نمی‌شده است. فنونی که امروزه در قصه‌خوانی نو در کلاس‌ها و پشت تریبون‌ها و رسانه‌ها به اجرا درمی‌آیند، در جهات متعددی به فنون قرائت و قصه‌خوانی در قرآن کریم، شباهت دارند. بررسی این شباهت‌ها از این جهت مهم است که درکی از اعجاز قرآن از این زاویه را به مخاطب داده و همین‌طور یکی از دلایل و چرایی قدرت تأثیرگذاری قصه‌های قرآن را مکشوف می‌کنند؛ چراکه این مطلب، دلالت بر اعجاز هنری قرآن دارد و اشاره به این حقیقت است که در عصر نزول قرآن و حتی تا دهه‌های

اخیر، چنین حقایقی برای بشر، کشف نشده بود؛ درحالی‌که قرآن کریم به این نکات توجه کرده است.

### ۱-۵ واگویه و تکرار

این فن نوین در قصه‌گویی سنتی وجود نداشت، اما امروزه در جایگاه یکی از شیوه‌های قصه‌گویی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. «واگویه» تکرار ساده هرآن چیزی است که از قصه‌گو دریافت می‌گردد و می‌تواند بآلب زدن یا کاملاً در سکوت انجام پذیرد (مورفی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵: ۳۷-۳۸).

زمانی که مخاطبان این کار را در سکوت انجام می‌دهند، همان‌طور که قصه را گوش می‌کنند، دوبار قصه را می‌شنوند: یک بار از دهان قصه‌گو و بار دیگر از صدای ذهنی و درونی خودشان. شنونده این بازسازی مفاهیم را بعد از اتمام خوانش خواننده، آسان می‌سازد.

زمانی که مخاطب یاد می‌گیرد که واگویه داشته باشد، در یادآوری به او کمک کرده‌ایم. از این فن می‌توان این‌گونه استفاده کرد که به شنونده داستان گفته شود: «همان‌طور که از زبان ما قصه را می‌شنوید، با خودتان واگویه کنید؛ چون به شما کمک می‌کند که لذت بیشتری ببرید و آرامش بیشتری داشته باشید.» شنوندگان ارزش این واگویه را بسیار مهم گزارش خواهند داد (کانفیلد و هنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵: ۴۵).

در شیوه‌های قدیمی‌تر و کهن، قصه‌گوها و نقال‌ها قصه را با انتخاب جملات کوتاه، انتخاب لحن، همراه کردن لحن با شخصیت‌های قصه، جذاب می‌کردند و برای این کار حتی ضمن روایت قصه، همگام با شخصیت‌های آن شاد یا غمگین می‌شدند؛ اما قصه‌گو با این شیوه نوین یک گام بلند در جهت همراه کردن مخاطب برداشته است. این شیوه با وجود اینکه یک فن نوین در داستان‌گویی محسوب می‌شود، اما در قرائت قرآن کریم از دیرباز مورد توجه آیات و روایات و سپس قاریان و شنوندگان آنان بوده است.

در هنر تلاوت قرآن به این نکته توجه می‌شود که کار شناختی در مواجهه با قرآن، از پایین‌ترین سطح، یعنی از نگاه کردن به مصحف، شروع و سپس شنیدن قرائت قرآن، فعالیت شناختی عمیق‌تری را در بر دارد و این سطح می‌تواند در قدم بعدی با واگویه و تکرار ذهنی، عمق بیشتری پیدا کند.

1. Shadowing.
2. Murphey.
3. Canfield, J. and M. Hansen.





این مسئله در قرآن و سنت پیامبر مورد تأکید است (سوره مبارکه قیامت از آیه ۱۶ تا آیه ۱۹) که پیامبر هنگام نزول وحی برای حفظ بیشتر وحی آن را واگویه می‌کرده است و در این واگویه تعجیل کرده و خداوند او را از این کار نهی می‌کند و می‌فرماید که حفظ وحی به عهده ماست: «زبان‌ت را به خاطر عجله برای خواندن آن حرکت مده (۱۶) چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست (۱۷) پس هرگاه آن را خواندیم، از خواندن آن تبعیت کن (۱۸)». از خطاب قرآن روشن می‌شود که پیامبر به جهت اهمیت حقایق و حیانی، از فن نوین واگویه استفاده می‌کرده و هنگام نزول وحی، با زبان، آیات فرورفته را واگویه کرده و در این واگویه تعجیلی رخ داده که از این تعجیل نهی شده است.

## ۲-۵ خلاصه کردن

یکی دیگر از فنون نوینی که در اجرای داستان مطرح شده است و در قصه‌گویی سنتی وجود نداشت، استفاده از بازخورد و وادار کردن مخاطب به گفتن دوباره قصه، بعد از شنیدن آن، است. بعد از قصه خوانی، اگر مخاطبان را تحریک کنیم که داستان را برای ما خلاصه کنند و بگویند یا برای دیگران یا دوستانشان این کار را انجام دهند (این تشویق می‌تواند به صورت انجام مسابقات باشد) یا ما برای شان خلاصه‌گویی کنیم، آنها را در پرداختن در واگویه بیشتر ترغیب می‌کند (مورفی، ۱۹۹۵: ۱۵-۱۸).

فن خلاصه کردن که از فنون نوین قصه‌گویی است در اکثر قصه‌های قرآن کریم پی‌درپی آمده است؛ به طوری که داستان بنی اسرائیل در بیش از ۳۰ سوره بیشتر از صد بار به حالت‌های مختلفی تکرار و خلاصه‌گویی شده است. ۱۱۰ آیه از قرآن کریم در مورد این قوم است که در هر بار خلاصه‌گویی، وجه خاص و نکات ویژه‌ای مورد توجه واقع شده است و با هر بار تکرار، چیز دیگری نیز به آن افزوده شده و آن‌طور که قونوی و غزالی بیان می‌کنند، در هر بار تجلی جدیدی نیز انجام می‌گیرد. قصه حضرت موسی تا گوساله پرستی بنی اسرائیل و بهانه‌جویی آنها بارها در قرآن کریم، به طور خلاصه یا تخلیص نشده، بیان شده است.<sup>۲</sup>

خلاصه کردن و بازگویی به مخاطب کمک می‌کند تا موارد دشوارفهم را ضمن قصه



دوره دوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۴  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

۱. لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتُحْجَلَ بِهِ (۱۶) إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْتَ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا نِازَهُ (۱۹).

۲. ن. ک: سوره بقره، آیات ۴۷ تا ۱۲۳ و آیه ۲۱۱؛ سوره اعراف، آیات ۱۰۵ تا ۱۷۶؛ بنی اسرائیل، آیات ۲ تا ۸ و در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۴؛ یونس، ۹۰ تا ۹۳؛ طه، آیات ۱۶۹ تا ۹۷...

بیان کند. کار کردن با گروه‌های کوچک و قصه‌خوانی برای شان سبب می‌شود که افراد در این امر به یکدیگر کمک کنند. در این گروه‌ها هربار بازگویی مخاطبان سبب شنیدن بیشتر دیگر اعضا می‌شود. خلاصه‌کردن، علاوه بر فراهم کردن فرصت برای بررسی فهم افراد، به گسترش دیدگاه‌های افراد نیز کمک می‌کند.

### ۳-۵ تقسیم قصه به چند بخش

در قصه‌خوانی مدرن تقسیم قصه به دو یا چند بخش بسیار مورد توجه و استفاده قرار گرفته است (دیکون<sup>۱</sup> ۲۰۰۱: ۱۰). این تقسیم‌بندی مخاطب را بیشتر درگیر تصویرپردازی می‌کند و مخاطب را نسبت به آنچه در آینده اتفاق می‌افتد تشنه می‌کند. در این فن مدرن، قصه به چند پاره تقسیم می‌شود و بین قسمت‌های آن مطالبی غیر از قصه، مانند پیامی بازگانی در رسانه رادیو و تلویزیون، مسئله‌ای علمی در کلاس، صحبت با هم در موارد استنباط‌شده در بخش اول قصه یا هر گریزگاه دیگری داده می‌شود. این فن نوین در بسیاری از قصه‌های قرآن کریم، به صورت زیبایی به کار رفته است.

داستان حضرت موسی (ع)، از آیه ۶۷ تا آیه ۷۳ سوره بقره، قصه رفتار بنی اسرائیل در باب یک قتل است و از آن به بعد، صحبت‌هایی با مؤمنان و اندرزاها و بررسی قوم‌شناسانه قوم بیهود به میان می‌آید و دوباره از آیه ۸۳ بخش بعدی قصه بنی اسرائیل آغاز می‌شود و دوباره در آیه ۸۴، داستان قطع می‌شود و سپس بعد از چند آیه (که در بین قصه آمده)، دوباره به قصه بنی اسرائیل بازمی‌گردد.

### ۴-۵ درگیری احساسی در قصه‌خوانی از سوی قصه‌خوان

یکی از فنون تأثیرگذاری بر مخاطب (که ریشه در اجرای قدیمی دارد)، شیوه قرائت قصه و داستان و نمایشنامه و شعر است. بهترین راه احساساتی کردن مخاطبتان، احساساتی شدن خودتان است (دیکون و مورفی، ۲۰۰۱: ۱۵).

توصیه قرآن کریم به خواندن قرآن، به نحوی خاص، به نام «ترتیل»، به این معنا که محتوای آیات در فن قرائت اثر کرده و قصه اگر غم‌انگیز است در نوا و دستگاهی غم‌انگیز و اگر شغف‌آور است در دستگاهی شاد، خوانده شود، از نکاتی است که در توجه به داستان‌های قرآنی و قرائت قرآن کریم، قابل توجه و بررسی است. ترتیل ادب قرائت آیات قرآن است و لازم است که با تدبر و تعمق در معانی آیات و همراه حزن و با سرعتی میانه و نه کند و نه تند اجرا شود. حضرت علی (ع)



از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند:

«حروف آیات قرآن را به خوبی ادا نمایید و به مانند پاشیدن ریگ بر روی زمین پراکنده تلاوت مکنید و مثل شعر آن را نخوانید و به نزد عجایب آیاتش بایستید و دل هایتان را به واسطه تلاوت آیات، متوجه حق کنید و همت شما رسیدن به پایان سوره نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۸۲). حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هرگاه از آیه‌ای می‌گذری که در آن سخنی از دوزخ است، می‌ایستی و از آتش دوزخ به خدا پناه می‌بری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۶۵/۲۵).

این فن تحت عنوان مخاطب یا تطبیق، در قرائت قرآن، بدین‌گونه توصیه شده که اگر فرد هر آیه از قرآن را تلاوت کرد، خودش را مخاطب آن آیه قرار بدهد؛ مثلاً اگر آیه در مورد ابولهب است، او خودش را جای ابولهب بگذارد و به خودش آیات را خطاب کند. به تعبیر امام خمینی، در قصه حضرت آدم علیه‌السلام تفکر کند و مفاد آن را با حال خود منطبق کند؛ مثلاً ببیند سبب مطرود شدن شیطان از بارگاه قدس الهی چه بود و خود را از آن تطهیر کند (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۰۶). این مسئله در جای جای روایات قرائت قرآن مطرح شده است و با فن واگویه نیز شباهت‌هایی دارد.

### ۵-۵ بیان قصه در بیرون از جلسه قصه‌گویی برای دیگران

این فن نوین که ما مخاطبان را ترغیب کنیم داستان را برای دوستان دیگر خود تعریف کنند نیز فن نوینی است که در داستان‌نویسی کهن وجود نداشته است. برای این فن در قصه‌گویی مدرن، اغلب از مخاطبان خواسته می‌شود تا قصه‌ها را برای دیگران هم تعریف کنند. آنها که دوزبانه هستند (خانواده‌های کرد یا ترک یا عرب دارند)، تشویق می‌شوند تا برای آنها قصه را ترجمه کنند.

در داستان‌نویسی کهن، مخاطب پس از شنیدن قصه، انگیزه‌ای برای نشر قصه به دیگران نداشته است؛ اما قرآن از آن جهت که شکلی خاص در روایت قصه دارد، همه اطلاعات را به یک باره به مخاطب نمی‌دهد و همانند قصه‌گویی مدرن، مخاطب را گام به گام و با ذکر اندک‌اندک اطلاعات و جزئیات با خود همراه می‌کند؛ با این وصف، شنونده نیز برای اغنای کامل و به دست آوردن جریان قصه کامل، از مراجعه به خارج از متن ناگزیر است. برای نمونه در قصه بنی اسرائیل و یافتن گاو، مقدمه و نتیجه مشخص نیست و برای مشخص شدن مقدمه و نتیجه باید به منابع دیگر رجوع کرد؛ به علاوه قرآن آیاتی محکم و متشابه دارد؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید:

«اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم



دوره دوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۴  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

[صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند]؛ اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند؛ با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش، کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: "ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست" و جز خردمندان، کسی متذکر نمی‌شود» (آل عمران / ۷).

بنابراین، برای فهم این متن لایه در لایه و بطن در بطن، نیاز است که به «راسخون فی‌العلم» مراجعه کرده و از آن زاویه‌ها، لایه‌های پنهانی و بطون آن را جويا شویم؛ لذا در روایاتی از پیامبر و اهل بیت، داستان‌ها با تاویل و تفسیر و به صورت کامل، بعد از نزول، به شکلی غیر قرآنی و به زبان‌های مختلف بازگویی شده است. اینکه کسی که به قتل رسیده چه کسی بوده، اینکه صاحب‌گاو چه مشخصاتی داشته، اینکه قاتل چطور مشخص شده، همه و همه در روایات پیامبر و عترت پیامبر (ص)، آمده است.

در پایان باید این نکته را متذکر شد که تعریف قصه روشی مناسب برای شروع یک گفتگوی جذاب است. با اتکا به این فنون نوین، برای ایجاد لذت در مخاطبان، باید فعالانه در گفتگو شرکت کنند. می‌توانیم در نقطهٔ اوج، قصه را متوقف کنیم و از آنها بخواهیم بیندیشند که حال چه رخ خواهد داد. اگر این قصه از رسانه روایت می‌شود، ادامهٔ آن باید به روز بعد یا پس از یک میان‌برنامه روایت شود. به تعبیر پاولنکو، اگر همیشه شما یک قصه در آستینتان باشد، هیچ وقت موضوعی برای طرح و نکته‌ای برای آموزش کم نمی‌آورد (پاولنکو<sup>۱</sup> و لانتولف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۲۷). این فنون نوین در اجرای داستان در قصص قرآنی، به ظرافت به کار برده شده‌اند.

## ۶-۵ ثبت عملکرد مخاطبان

قصه‌گوهای کهن پس از شنیدن قصه، در دیدن واکنش‌ها و حالات مخاطب، محدودیت داشتند. گرچه در این نوع قصه‌گویی‌ها به شیوهٔ کهن، گاه پس از هر بخش، قصه‌گو شرحی می‌دهد تا پیام قصه را بهتر منتقل کند یا باوری را در ذهن مخاطب به چالش بکشد؛ اما در قصه‌گویی نوین، قصه‌گوها پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و شواهدی از تغییر روش و فکر مخاطب‌شان را جستجو می‌کنند و از آنها بازخورد می‌گیرند. این پرسش‌ها و جستارها به قصه‌گو کمک می‌کند تا

1. Pavlenko.  
2. Lantolf.



دریابد قصه‌اش چه تأثیری بر شنونده‌اش داشته است. در قصه‌گویی نوین، برای افزایش آگاهی به آنچه مخاطبان با خود می‌اندیشند یا تشخیص اینکه چه عملی برایشان مفید خواهد بود، از آنها می‌خواهیم تا عملکردشان را پس از شنیدن داستان ثبت کنند (مورفی، ۱۹۹۳: ۱۸). در دریافت بازخورد از مخاطبان، قصه‌گو مفاهیم درک شده از قصه و فعالیت‌های بعد از قصه و تغییرات رفتاری‌شان را مورد سؤال قرار می‌دهد. اگر آنها ثبت عملکرد را به صورت منظم انجام دهند، قصه‌گو می‌تواند فهم مخاطب و تغییرات ادراکی مخاطبش را ارزیابی کند و برای بارور شدن و اصلاحش، تلاش کند. اگر قصه با وسایل نوینی چون وسایل رسانه‌ای به گوش مخاطب می‌رسد، می‌توان با طرح مسابقه یا ایجاد یک نظرسنجی، این فرم را از مخاطب با پست و ایمیل و فکس دریافت کرد. اگر قصه‌گویی چهره‌به‌چهره است، این به چالش کشیدن فهم مخاطب، به صورت زبانی انجام می‌شود.

پس از قصه‌ها، در داستان‌های قرآنی یا در میان قصه، با عباراتی مانند «آیا تفکر نمی‌کنید؟»، «آیا تعقل نمی‌کنید؟» فکر مخاطبان به چالش کشیده می‌شود و از آنان تصحیح عمل یا اندیشه خواسته می‌شود. گاه نیز هنگام شنیدن آیات به پاسخگویی تشویق می‌شویم. پس از هر بار «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن، شایسته است که مؤمنان در باطن خود لبیک بگویند.

## ۷-۵ بازخوردگیری از داستان

نویسندگان این مقاله، قصه بنی اسرائیل را در کلاس روایت کردند. پیام اصلی این داستان، تسلیم در برابر حضرت حق و پرهیز از بهانه‌جویی است. ما در زندگی خویش، بارها با مصداق‌هایی از آن قسم ایرادهای بنی اسرائیلی و مقاومت در مقابل حق مواجه می‌شویم؛ پس باید تصمیم بگیریم و راه درست را برگزینیم. نمونه‌هایی از بازخورد شنوندگان قصه در پاسخ پرسش‌های نویسندگان این مقاله چنین بوده است:

۱. من فکر می‌کنم این داستان در زندگی ما جریان دارد. من می‌خواهم به آنچه خدا برایم رقم زده، قانع باشم و هرچه خدا عطا فرماید به آن راضی باشم.

۲. من می‌خواهم در کارها مته به خشخاش نگذارم و به همان چیزهایی که برایم

مشخص می‌شود، عمل کنم نه اینکه با وسواس کار را برای خودم سخت کنم. این دو نمونه‌هایی از بازخورد داستان بنی اسرائیل از مخاطبان یک کلاس بود. به تعبیر امام خمینی در تفسیر سوره حمد: «قرآن کتابی است که می‌خواهد آدم درست کند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۰)؛ لذا صرف تلاوت آیات و دانستن مفاهیم آن مدنظر نبوده و نیست، بلکه هدف همان «آدم درست کردن» یا موحد شدن است. با تلاوت قرآن آدمی با تکلیف و وظیفه خود آشنا می‌شود و درمی‌یابد که قرآن که کتاب حرکت دادن انسان و متن صریح و روشن سلوک و تهذیب نفس است، تا رسیدن به لقای حق، چه می‌خواهد بگوید. هدف اصلی قرآن کریم قصه‌گویی محض نیست، بلکه تفهیم مسئله‌ای بس مهم در غلاف قصه است و آن مسئله توحید است. به تعبیر امام خمینی، اگر قرآن می‌خواست قصه بگوید، یک بار قصه را بیان می‌کرد و تمام می‌شد؛ پس علت تکرار به دفعات یک قصه مثل حضرت موسی، جز این نیست که انسان صاحب فهم شود. امام در ادامه می‌گوید: «ما قرآن خواندیم که فرعون کذا و کذا، موسی کذا و کذا. تدر نکردیم که خوب آن چیزی که گفته برای چه گفته؟ برای اینکه تو هم مثل موسی باش نسبت به فرعون عصرت.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳/۳۴۹).

این مراحل که به آن‌ها اشاره شده است، از گوش دادن مخاطب تا واگویی یک قصه تا خلاصه کردن آن تا نوشتن و صحبت کردن در مورد آن و بازگویی دوباره آن، همه، فنون نوینی هستند که به کمک قصه‌گویی سنتی آمده‌اند. این مراحل پی‌درپی از فهم ساده تا همراه شدن با قصه، شامل بازگویی با زبان مخاطب است. پس از پایان تکه‌های قصه، مخاطب به صورت ناخودآگاه، کارهای فراشناختی روی قصه انجام می‌دهد (مورفی، ۱۹۹۵: ۳۸).

این فنون از زمان نزول وحی، به دلیل ساختار قصه‌های قرآنی و شیوه‌های اجرایی که در سنت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام آمده است، در قرائت قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرند و اثر شنیدن قصه را عمق می‌بخشد و آن را در عمق جان شنونده نهادینه می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

فنونی که در اجرای قصه‌خوانی نوین استفاده می‌شود، قصه را به سمتی می‌برد که از نظر روان‌شناختی اثر بیشتری بر مخاطب خود بگذارد. این فنون گاهی قصه‌ها را درمان‌گرانه و همیشه لذت‌بخش‌تر می‌کنند. اجرای فنون قصه‌خوانی می‌تواند فرصت تغییر نگرش‌ها و سبک‌های زندگی را به مخاطبان بدهد. قرآن کریم کتاب ادبی-هنری صرف نیست؛ زیرا محدود کردن قرآن به حدی خاص



و علمی محدود، جفا کردن در حق کتاب خداست. این کتاب شریف که نسخه حرکت انسان به سوی بالاترین مراتب سلوک و دستیابی به والاترین درجات قرب و لقای حق است در بیان حقایق خود در ساحت قصه و داستان، از فنونی استفاده کرده که در عصر حاضر پاره‌ای از آن پدیدار گشته است. قصه‌های قرآنی دربرگیرنده فنون واگویی، خلاصه کردن، تقسیم قصه به چند بخش، درگیری احساسی قصه‌گو، بیان قصه خارج از محیط قصه، ثبت عملکرد مخاطبان، ارزیابی قصه‌گو به واسطه مخاطبان و دریافت بازخورد از داستان است. چه بسا فنونی که هم در حوزه قصه و داستان در قرآن کریم، بالفعل به کار رفته باشد به مصداق «وَمَا أُوتِیْمٌ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلٌ» و هم اکنون مورد غفلت واقع شده و کشف آن فنون و پرده‌برداری از حجاب هنرهای نهفته در آیات در آینده تحقق یابد.

## منابع فارسی

- قرآن کریم

۱. پورخالقی چترودی، مه دخت (۱۳۷۱). «فرهنگ قصه‌های پیامبران». مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. حجازی، بنفشه (۱۳۸۴). «ادبیات کودکان و نوجوانان». تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). «آداب‌الصلاة». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. ——— (۱۳۷۸). «تفسیر سوره حمد». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. ——— (۱۳۶۸). «صحیفه امام». جلد ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. داستایوسکی، فتودور (۱۴۰۳). «یادداشت‌های زیرزمینی». ترجمه علی مصفا. تهران: نشر چشمه.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۹). «تفسیرالمیزان». ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: انتشارات اسلامی، جلد ۱۱.
۸. فریدونی، محمدرضا و سید میثم موسویان (۱۳۹۴). «واکاوی فنون نوین داستان نویسی در قصص قرآن کریم». مجله مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۵۳-۴۶.
۹. غلامرضا، علی اصغر (۱۳۸۹). «ساختار روایت در قصه‌های قرآن مجید»، نشریه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۶۴، صص ۵-۳۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). «بحارالانوار». جلد ۸۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). «تفسیر نمونه». جلد ۲۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. میرصادقی، جمال (۱۳۹۲). «شناخت داستان». تهران: انتشارات نگاه.
۱۳. والتر، بنیامین (۱۴۰۲). «برگزیده مقالات والتر بنیامین». ترجمه رویا منجم. تهران: انتشارات علم.

## منابع انگلیسی

1. Canfield, J. and M. Hansen. 1995. Chicken soup for the soul. Deerfield Beach, FL: Health Communications. P: 45
2. Deacon, B & Murphey T. (2001). Deep Impact Storytelling. English Teaching Forum 39 (4) 10-15, 23.
3. Murphey, T. 1993. Why don't teachers learn what learners learn? Taking the guesswork out with action logging. English Teaching Forum, 31, 1, pp. 6-10. ———. 1995.
4. David Carr, Time, Narrative and History Reviewed by Angel Medina - 1988 - Philosophy in Review 8 (7):250-253.
5. Language Research in Japan. Niigata: International University of Japan. ———. 1995b. Action logging. In New ways in teaching writing, ed. R. White. Alexandria, VA: TESOL. ———. 1995c. Meaningful communicative repetition. English Teaching Forum, 33, 4, pp. 37-38. ———. 2000. Shadowing and summarizing (NFLRC Video #11).
6. Honolulu: University of Hawaii, Second Language Teaching and Curriculum Center. ———. (In press-a). Exploring conversational shadowing. Language Teaching Research, 5, 2. ———. (In press-b). Tools of recursion, intermental ZPDs, and critical collaborative autonomy. JALT Journal, 23, 1.
7. Murphey, T. and L. Woo. 1999. Activating metacognition with action logs. The Language Teacher, 23, 5, pp. 15-18.
8. Pavlenko, A. and J. Lantolf. 2000. Second language learning as participation and the (re)construction of selves. In Sociocultural theory and second language learning, ed. J. Lantolf. Oxford: Oxford University Press. "Short story". Merriam-Webster. Retrieved 2012-05-27
9. Stevick, E. W. 1996. Memory, meaning and method. Boston, MA:p:18
10. Heinle and Heinle. 1998. Working with teaching methods: What's at stake? Boston, MA: Heinle and Heinle P:22.



## Persian resources

- The Holy Quran

1. Pourkhalghi Chatroudi, Mah-Dakht (1371). "The culture of the stories of the prophets". Mashhad: Astan Quds Razavi.
2. Hijazi, Banafsheh (2004). "Literature for children and teenagers". Tehran: Illuminators and Women's Studies.
3. Khomeini, Ruhollah (1373). "Etiquette". Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
4. \_\_\_\_\_ (1378). "Commentary on Surah Hamad". Tehran: Imam Khomeini (R.A.) Editing and Publishing Institute.
5. \_\_\_\_\_ (1368). "The Book of the Imam", volume 3. Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
6. Dostoevsky, Fyodor (1403). "Underground Notes", translated by Ali Mosfa. Tehran: Cheshme Publishing House.
7. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1379). "Tafsir al-Mizan", translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Tehran: Islamic Publications, Volume 11.
8. Feridouni, Mohammadreza and Seyyed Maitham Mousaviyan (2014). "Analysis of modern storytelling techniques in the stories of the Holy Qur'an", Journal of Qur'anic Studies, 6th year, number 21, pp. 53-46.
9. Gholamreza, Ali Asghar (1389). "Narrative structure in the stories of the Holy Qur'an", Communication Research Journal, No. 64, pp. 31-50.
10. Majlesi, Mohammad Baqer (1403), "Bihar al-Anwar", volume 82. Beirut: Dar Ihaa al-Trath al-Arabi.
11. Makarem Shirazi, Nasser (1377). "Example Commentary", Volume 25. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
12. Mirsadeghi, Jamal (2012). "Knowing the story". Tehran: Negah Publications.
13. Walter, Benjamin (1402). "Selected essays by Walter Benjamin", translation of the Astronomer's Dream. Tehran: Science Publications.

## English Sources

14. Canfield, J. and M. Hansen. 1995. Chicken soup for the soul. Deerfield Beach, FL: Health Communications. P: 45
15. Deacon, B & Murphey T. (2001). Deep Impact Storytelling: English Teaching Forum 39 (4) 10-15, 23.
16. Murphey, T. 1993. Why don't teachers learn what learners learn? Taking the guesswork out with action logging. English Teaching Forum, 31, 1, pp. 6-10. \_\_\_\_\_ . 1995.
17. David Carr, Time, Narrative and History Reviewed by Angel Medina - 1988 - Philosophy in Review 8 (7):250-253.
18. Language Research in Japan. Niigata: International University of Japan. \_\_\_\_\_ . 1995b. Action logging. In New ways in teaching writing, ed. R. White. Alexandria, VA: TESOL. \_\_\_\_\_ . 1995c. Meaningful communicative repetition. English Teaching Forum, 33, 4, pp. 37-38. \_\_\_\_\_ . 2000. Shadowing and summarizing (NFLRC Video #11).
19. Honolulu: University of Hawaii, Second Language Teaching and Curriculum Center. \_\_\_\_\_ . (In press-a). Exploring conversational shadowing. Language Teaching Research, 5, 2. \_\_\_\_\_ . (In press-b). Tools of recursion, intermental ZPDs, and critical collaborative autonomy. JALT Journal, 23, 1.
20. Murphey, T. and L. Woo. 1999. Activating metacognition with action logs. The Language Teacher, 23, 5, pp. 15-18.
21. Pavlenko, A. and J. Lantolf. 2000. Second language learning as participation



دوره دوم  
شماره دوم  
پیاپی: ۴  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۲



and the (re)construction of selves. In Sociocultural theory and second language learning, ed. J. Lantolf. Oxford: Oxford University Press. "Short story". Merriam-Webster. Retrieved 2012-05-27

22. Stevick, E. W. 1996. Memory, meaning and method. Boston, MA:p:18

23. Heinle and Heinle. 1998. Working with teaching methods: What's at stake? Boston, MA: Heinle and Heinle P:22.